



ده سال عدم قطعیت

روایتی از تاریخ فلسفه سیاسی جدید آلمان در کتاب روشنگری، انقلاب و رمانتیسم نوشته فردریک سی. بیزر

تاریخ اندیشه



امیرفرشاف پژوهشگر فلسفه

انقلاب فرانسه در اواخر قرن هجدهم یکی از رویدادهای سرنوشت‌سازی بود که هرچند ریشه در زمین ادوار پیشین داشت، منجر به تکوین صورت‌های جدید فلسفه سیاسی شد و برخی از این صورت‌های نو در واکنش به انقلاب آفریده شدند. با این حال، همواره نوعی زیاده‌روی در الهام بخش دانستن انقلاب فرانسه وجود داشته که تبدیل به کلیشه‌ای رایج و جاف‌ناده در مطالعات تاریخی

آشکار جامعه طبقاتی، دائماً به مشیت استناد می‌کردند. ... چنین باوری طبیعتاً از هرگونه کوشش برای نقد وضع موجود جلوگیری می‌کند؛ چرا که این کار اعتراض به خود حکمت الهی خواهد بود». مؤلف، فلسفه عملی کانت را به دلیل رد کردن همین بنیان‌های سنتی و قراردادن اراده فاعل شناسا (Subject) به جای مشیت الهی، رادیکال می‌داند، چراکه انقلاب آفریده نوعی زیاده‌روی در الهام بخش دانستن انقلاب فرانسه وجود داشته که تبدیل به کلیشه‌ای رایج و جاف‌ناده در مطالعات تاریخی

کانت: رهبر انقلاب کپرنیکی

بیزر اخلاقی جدید کانت را -که فاعلیت اراده را در کانون فلسفه عملی‌اش قرار داده- در مقایسه با سنت جاف‌ناده ولفی- پوفندورفی که مدافع حفظ وضع موجود است، انقلابی قلمداد می‌کند؛ چراکه از نظرگاه کانت، خاستگاه ارزش اخلاقی، اراده اخلاقی درون ماست، نه نظم مقدر بیرومنان. از نظر نویسنده کتاب، عمق و اهمیت واقعی انقلاب کپرنیکی کانت در همین موضع است: «این انقلاب نه تنها در معرفت‌شناسی، بلکه در اخلاق نیز به وقوع پیوست. درست همانطور که جهان طبیعی وابسته به قوانین فاهمه است، جهان اخلاقی نیز به قوانین اراده بستگی دارد. هم اخلاقی و هم معرفت‌شناسی، انسان محور شده بودند». از نظر بیزر، باور به «مشیت الهی» به عنوان یکی از رایج‌ترین و دیرینه‌ترین باورهای جامعه آلمانی، محور نظریه سنتی است که هرچند ریشه در زمین قرون وسطا دارد، اما در تمام قرن هجدهم در آلمان پابرجا بود. او در این خصوص می‌نویسد: «مشیت اساساً ایده‌ای بود مبتنی بر اینکه کل سلسله مراتب اجتماعی و سیاسی، بازتاب طرحی الهی هستند و عدالت کامل تنها در بهشت فراسوی زمین وجود دارد. حکومت و کلیسا برای عقلانی ساختن نابرابری‌های

سده گانه‌ای که او بررسی می‌کند، یعنی لیبرالیسم، رمانتیسم و محافظه‌کاری با یکدیگر نداخل‌های مفهومی و منطقی آشکاری داشتند؛ بلکه درون خود این جریان‌ها نیز تعارضات و تنوعات قابل توجهی وجود داشت. مثلاً بیزر متذکر می‌شود که میان لیبرالیسم افرادی همچون یاکوبی، هامبولت و شیلر که دموکراسی تقنینی و نماینده محور انگلستان را می‌ستودند با لیبرالیسم فورستر که به امتناع حاکمیت اقتدارگرا و روح آمیختند. قلم بیزر متعرض سایر معتقدان به امتناع اندیشه سیاسی آلمانی در قرن هجدهم هم می‌شود، اما به دلیل سيطرة نگاه دو استایل و کلیشه شدن نظرش، او را در کانون نقد قرار می‌دهد. این کتاب، دربردارنده سه فصل کلی است: لیبرالیسم، رمانتیسم اولیه آلمانی و محافظه‌کاری، که هر فصل نیز مشتمل بر چند بخش است. فصل لیبرالیسم کتاب آن دربردارنده هفت بخش درباره محدودیت‌های روش شناختی در تحلیل ملاک‌ها و طبقه‌بندی جریان‌های فکری آلمان قرن هجدهم، وجوه لیبرال اندیشه سیاسی کانت، جنبه‌های سیاسی کتاب «آموزه دانش» فیخته و نظریات سیاسی اندیشمندانی چون شیلر، هامبولت، یاکوبی و فورستر است. فصل دوم درباره وجوه سیاسی رمانتیسم اولیه آلمانی و متفکرانی مثل هردر، شلگل و نووالیس و موضوعاتی همچون کارکرد اجتماعی هنر رمانتیک، نقد جامعه مدنی و خوانش ارگانیک از جامعه است. فصل پایانی کتاب ناظر به سنت محافظه‌کاری آلمانی است که چهره‌های کمتر شناخته‌شده اما مؤثر مانند موزر، رهبرگ، گنتس و ویلند را معرفی می‌کند. یکی از تلاش‌های ارزشمند مؤلف، تقریر ملاک‌ها و مناظ‌هایی است که مانع از تداخل جریان‌های اندیشه سیاسی آلمان در اواخر قرن هجدهم است؛ نفس طرح کردن این ملاک‌ها و تحلیل آنها هرچند وظیفه نویسنده است، اما معیوبیت این کار است که بر قدر و قیمت آن افزوده؛ چراکه در آن دوران، نه تنها جریان‌های

فیلسوف آمریکایی احیاگر ایدئالیسم آلمانی



مقدمه‌ای بر آثار و افکار فردریک چارلز بیزر



زیبایی‌شناختی است و شامل بازخوانی آثار لایب‌نیتس، لسنینگ و سایر معاصران او می‌شود. «هگل» (Hegel)، که نظام فکری هگل و زمینه‌های تاریخی و فلسفی آن را به صورت روان تقریر می‌کند.

آموزش زبان انگلیسی به فلسفه آلمانی!

مشهور است که هگل در یکی از نامه‌هایش گفته «می‌خواهم به فلسفه، زبان آلمانی یاد بدهم!» و مرادش، برقراری نسبیّت میان اندیشه و زبان آلمانی بوده است. حال، بیزر در آثار خود، به دلیل زیست و تربیت در سنت تحلیلی انگلیسی زبان، علاوه بر طرح روایت‌های تاریخی، بر تحلیل فلسفی و منطقی اندیشه‌ها نیز تأکید دارد و می‌توان گفت سعی دارد به فلسفه‌ای که از هگل و هیدگرو نیچه آلمانی یاد گرفته، زبان انگلیسی هم تعلیم دهد. او با استفاده از روش شناسی دقیق و تحلیل‌های عمیق، به بررسی و تقریر آثار فیلسوفان آلمانی می‌پردازد. همان‌طور که گفته شد، تمرکز اصلی

لیبرال، همچون آزادی مطبوعات و آزادی عقیده، دفاع می‌کرد، گمراه‌کننده است که او را به معنای فنی یک لیبرال بدانیم، زیرا هردر هرگز این آموزه خاص جلوگیری نپذیرفت که هدف دولت صرفاً جلوگیری از آسیب رساندن شهروندان به یکدیگر است؛ در عوض تأکید کرد که دولت باید در ارتقای رفاه و خودتحقق بخشی تمام شهروندانش نقشی ایجابی داشته است؛ و اگرچه هردر را غالباً در رده اندیشمندان محافظه‌کار جای داده‌اند، او همواره برداشت قیّم‌مآبانه از دولت را خوار می‌شمرد.»

ملاحظات درباره کتاب

۱. هر دانشی برحسب روش‌شناسی سنتی، اجزاء و ارگانی دارد که به آنها «رئوس ثنائیه» یا سرفصل‌های هشت‌گانه می‌گویند که شامل محورهایی چون موضوع علم، مسائل علم، مبادی علم، اغراض علم و... می‌شود. برخی از این رئوس هشت‌گانه را در تحلیل ساختار و محتوای یک اثر تألیفی نیز می‌توان به کار بست و منطقاً پرسش از اغراض و مقاصد نویسنده، پرسشی است که در این موضع قابل طرح است. قطع نظر از مقاصد درونی و پنهان بیزر - که ارتباطی هم به تحلیل متن او ندارد - یکی از اغراض آشکار و مصرح او در نگارش این کتاب، در هم شکستن کلیشه «آلمان غیرسیاسی» است که انصافاً هم تلاشش مقرون به توفیق بوده است.

با این حال، نویسنده، غایتی صرفاً سلبی را از تألیف کتاب در نظر دارد؛ از یک سو، کتاب را پاسخی به اسطوره «آلمان غیرسیاسی» می‌داند و از سوی دیگر، بر واکنش متفکران آلمانی به انقلاب فرانسه تأکید پررنگی دارد و این زیاده‌روی، نقض غرض اولیه بیزر است؛ چراکه جنبه‌های ایجابی اندیشه سیاسی در آلمان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

۲. مضافاً این‌که اصرار بر محدود کردن متن و زندانی کردن مخاطب در یک بازه ده ساله پر از عدم قطعیت نیز قابل توجیه نیست و خلاف موضع اعلامی نویسنده است. هرچند او به محذورات تاریخی و روش‌شناسی اذعان می‌کند، اما به هر تقدیر، این محدودیت ده ساله، به راحتی باعث گاستن از باز علمی اثر شده است. از یک سو، مشخص نیست که چرا کانت نقطه عزیمت کتاب است و مثلاً لایب نیتس یا ولف نیستند؟ و از سوی دیگر، توضیحاتی که برای بیرون گذاشتن شلینگ و هگل ارائه می‌کند، عمیقاً ناکافی هستند.

۳. برخی ابهامات در متن خودنمایی می‌کنند که تا حدی قابل پیشگیری بودند؛ مثلاً دقیقاً مشخص نیست که هسته مرکزی و مفهوم مشترکی که بیزر ذیل آن لیبرال‌ها را با تمام نمایان‌هایان زیر یک چتر گرد می‌آورد و درعین حال، آنها را به سایر جریان‌ها متمایز می‌کند، هدف دولت است یا حجم دولت؟

۴. در این بخش قرار نیست ایرادات ریز اثر برجسته شوند تا کم وقتی نویسنده به رخ کشیده شود، بلکه ملاحظات کلان طرح می‌شوند تا صرفاً متن خالی از عریضه نقد نباشد؛ وگرنه متن و بصیرت بیزر به عنوان کسی که در سنت تحلیلی تربیت شده، فضیلتی عیان است. با این حال، همین فضیلت، می‌تواند آسیب‌هایی مثل تقلیل‌گرایی و وسواس را در پی داشته باشد.

۵. وقتی فرکه در حال آماده سازی چاپ جلد دوم کتاب مهم Grundgesetz der Arithmetik (قوانین اساسی حساب) بود، راسل با نامه‌ای او را از وجود یک پارادوکس بنیادی آگاه کرد و فرکه نیز بزرگ‌مشنان آن را نپذیرفت و گفت این کتاب مانند چینی بود که مرده متولد شد. این دوره فلسفه سیاسی که بیزر تاریخ آن را نوشته نیز می‌توانست روزی جزو متون رسمی و آموزشی قلمداد شود، اما مع‌الأسف، تحمیل محدودیت‌های غیرلازمی که گذشت، باعث خروج این اثر - با تمام امتیازاتش - از ریل پژوهش‌های دانشگاهی شده و کتابی که می‌توانست جزو منابع تحقیق علمی باشد را به اثری باب طبع روشنفکران تبدیل کرده است.

نقد ویلند بر قرارداد اجتماعی نظریه قرارداد اجتماعی، یکی از آموزه‌های بنیادی فلسفه سیاسی دوره جدید است از هابز و اسپینوزا تا روسو و ولف تقریرهای مختلفی از آن مطرح شده است. ویلند که از محافظه‌کاران آلمانی قرن هجدهم است، تقریر ولف از این نظریه را به نفع آموزه «حق الهی حاکمان» رد می‌کند و تناقض‌های آن را برملا می‌کند. روایت بیزر از نقد ویلند چنین است: «یکی از جنبه‌های پراهمیت‌تر احیای آموزه حق الهی به دست ویلند، نقد او بر نظریه قرارداد اجتماعی است. این نظریه در واقع در میان مدافعان مطلق‌گرایی در آلمان قرن هجدهم رایج بود. مکتب ولفی آن را پذیرفته بود و استدلال می‌کرد که به نفع مردم است تا حق خودمختاری خویش را به پادشاه واگذار کنند و پادشاه نیز به نوبه خود هر کاری در توان دارد برای پیشبرد خیر عمومی انجام خواهد داد. اما... ویلند قبل از هر چیز، از آن رو آن را رد کرد

بنیادینی میان هامبولت و اندیشمندان سنت بورژوازی مدرن وجود دارد. در حالی که اسمیت و مندویل به دفاع از اقتصاد بازار به منزله بهترین وسیله افزایش رفاه و شادکامی عمومی پرداختند، هامبولت گمان نمی‌کرد که شادکامی باید هدف دولت باشد. او ملتی فقیر و فرهیخته را به ملتی ثروتمند و شادکام ترجیح می‌داد. ... علاوه بر این، [هامبولت] همدلی چندانی نسبت به اخلاق سودگرایانه جامعه تجاری نداشت. اگر قرار بر این باشد که انگیزه زیربنایی برای رساله او بیابیم، بهتر است به جای جست‌وجوی دفاعیه‌ای از اقتصاد مدرن، به تمایل او به احیای فرهنگ یونان باستان برگردیم.»



روشنگری، انقلاب و رمانتیسم

پیدایش اندیشه سیاسی مدرن آلمانی (۱۷۹۰-۱۸۰۰)

- نویسنده: فردریک سی بیزر
- مترجم: مسعود افحام
- انتشارات: نشر نی
- تعداد صفحه: ۶۶۴ صفحه
- قیمت: ۷۸۰ هزار تومان

که به مردم قدرت دآوری درباره صلاحیت حاکمان شان را می‌دهد. او همچنین گمان می‌کرد با توجه به اینکه یک قرارداد می‌تواند بر اساس منافع طرف‌ها ایجاد شود، چنین نظریه‌ای دلالت‌های آتارشیستی دارد. جالب‌ترین و مهمترین ایراد او این است که قرارداد اجتماعی در تاریخ آن را نوشته نیز می‌توانست روزی به بیان دیگر، در عمل نمی‌تواند قرارداد اجتماعی معتبری وجود داشته باشد، زیرا برای اینکه قرارداد لازم‌الاجرا باشد، قدرت قاهره‌ای باید برای اجرای آن وجود داشته باشد. اما این یک واقعیت ساده است که چنین قدرتی نمی‌تواند وجود داشته باشد. اگر قرار بر این باشد که پادشاه یا مردم آن را تصاحب کنند، از آن



فلسفه معاصر سودمند و الهام‌بخش قلمداد می‌کند. شاید بتوان گفت بیزر یکی از کلیدی‌ترین چهره‌ها در انتقال فلسفه آلمانی به فضای انگلیسی‌زبان است. او فلاسفه کمتر شناخته شده را دوباره احیا کرد و بخشی از تاریخ فلسفه قاره‌ای را از حالت انترزاعی و عمیقاً استعاره‌ای آن خارج و آماده ارائه به محیط فلسفه تحلیلی و دانشگاهی کرد.

بیزر روی فلسفه آلمانی از اواخر قرن هجدهم تا نیمه قرن نوزدهم است؛ دوره‌ای که شامل جنبش‌های فکری بزرگی همچون روشنگری، ایدئالیسم آلمانی و رمانتیسم است. نکته مهم در میان پژوهش‌های او، دفاع از جنبه‌های متافیزیکی رمانتیسم آلمانی است؛ بیزر این جنبه‌ها را نه تنها برای فهم تاریخی جنبش ایدئالیسم آلمانی حیاتی می‌داند، بلکه آنها را همچنان برای

ندا جعفریان

دانش‌آموخته فلسفه

فردریک چارلز بیزر، یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران و تاریخ‌نگاران فلسفه آلمانی در قرن بیستم و بیست‌ویکم به شمار می‌رود که نقش بی‌بدیلی در بازخوانی و تفسیر سنت ایدئالیسم آلمانی ایفا کرده است. او نه تنها به عنوان یک پژوهشگر دقیق و موшکاف شناخته می‌شود، بلکه توانسته با قلمی روان و تحلیلی، اندیشه‌های پیچیده فیلسوفانی چون کانت، فیخته، شلینگ، هگل و هم‌دوره‌های آنان را به نسل امروز انتقال دهد. در واقع هدف بیزر احیای مجدد سنت‌های فلسفی خاص آلمان برای مخاطب معاصر بوده است، البته با تأکید بر پیوند فلسفه با متن‌های تاریخی، فرهنگی و ادبی. فردریک بیزر ۲۷ نوامبر ۱۹۴۹ در آلبرت لید، مینه‌سوتا، ایالات متحده متولد شد. تحصیلات ابتدایی خود را در کالج شایمر در ایالت ایلینوی گذراند و سال ۱۹۷۱ موفق به اخذ

مدرک کارشناسی در رشته‌های فلسفه، سیاست و اقتصاد شد. بعد بر جسته‌ترین پژوهشگران و تاریخ‌نگاران فلسفه و لفسون تحصیل کرد و سال ۱۹۷۴ مدرک کارشناسی ارشد خود را دریافت کرد. بیزر سال ۱۹۸۰ دکتری فلسفه خود را از کالج ولفسون آکسفورد تحت راهنمایی چارلز تیلور و آریازا برلین دریافت کرد. عنوان رساله دکترای‌اش «روح پدیدارشناسی: رستاخیز متافیزیک در پدیدارشناسی روح هگل» بود. بیزر پس از اتمام تحصیلات، به آلمان غربی رفت و به عنوان پژوهشگر در دانشگاه برلین مشغول به کار شد، بعد هم به ایالات متحده بازگشت و در دانشگاه‌های مختلفی از جمله پنسیلوانیا، ییل، ایندیانا و سیراکوز (هم‌اکنون استاد بازنشسته این دانشگاه است) و هاروارد تدریس کرد. بیزر در سال ۲۰۱۵ موفق به دریافت نشان شایستگی از جمهوری فدرال آلمان شد.

برد اعتراف از: «پس از هگل: فلسفه آلمانی از ۱۸۴۰ تا ۱۹۰۰» (After Hegel: German Philosophy, ۱۸۴۰-۱۹۰۰). به فلسفه آلمان در نیمه دوم قرن نوزدهم توجه دارد و نشان می‌دهد که دوره مذکور، صرفاً دوره‌ای از رکود نیست، بلکه عصری پربراز از ابتکار فکری ست.

«فرزندان دیوتیما: عقل‌گرایی زیبایی‌شناختی آلمانی از لایب‌نیتس تا لسنینگ» (The Children of Diotima: German Aesthetic Rationalism from Leibniz to Lessing): این اثر درباره ریزبانشاسی پیشاکانی و تأثیر رمانتیسم بر دیدگاه‌های

تحقیقات و تألیفات

شهرت بیزر با انتشار کتاب